

Guaranteeing the Implementation of the Laws of War in Imami Jurisprudence and International Conventions

Abstract

War and Jihad have been the most important issues of Islamic society and the field of international law since the beginning. In Imami Jurisprudence as well as international conventions for fighting and guaranteeing the implementation of the laws of war, there are rules that all effects and consequences are limited and confined to Imami Jurisprudence and international laws. Therefore, in a descriptive-analytical way and with a historical look at issues related to war in Imami Jurisprudence and international documents, we are looking for an answer to the question, what rules and regulations did Imami Jurisprudence and international conventions have regarding the guarantee of the implementation of the laws of war? Looking at the philosophy of war and jihad in Imami Jurisprudence and international conventions, we find that both of these groups have proposed laws and regulations to preserve and expand the rights of war. According to the obtained results, there are three important elements in the jurisprudence of Imami in order to guarantee the implementation of the laws of war, which are: the piety of Muslims, the fear of the hereafter, and the existence of a just Imam. Also, the laws of guarantee of international criminal enforcement and guarantee of international civil enforcement in international law documents have clearly emphasized the guarantee of the implementation of the laws of war.

Key Words: Performance Guarantee, Law of War, Imami Jurisprudence, International Conventions, Islam

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۳۷۱-۳۳۸۵

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.353040.3762>

ضمانت اجرای حقوق جنگ در فقه امامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی

رسول حمیدیان رازیانه^۱

تاریخ دریافت: 1401/04/01

رحیم وکیل‌زاده^۲

تاریخ پذیرش: 1401/05/03

حسن موثقی^۳

چکیده

جنگ و جهاد از ابتدا مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی و حوزه حقوق بین‌الملل بوده است. در فقه امامیه و همچنین کنوانسیون‌های بین‌المللی برای جنگیدن و ضمانت اجرای حقوق جنگ قواعدی مطرح بوده که همه آثار و تبعاتش محدود و محصور در احکام فقه امامیه و قوانین حقوق بین‌المللی می‌باشد. از این رو به روش توصیفی - تحلیلی و با نگاهی تاریخی به مسائل مربوط به جنگ در فقه امامیه و اسناد بین‌المللی در پی پاسخ به این سوال هستیم که فقه امامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی چه قوانین و مقرراتی در خصوص ضمانت اجرای حقوق جنگ داشته‌اند؟ با نگاهی به فلسفه جنگ و جهاد در فقه امامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی پی می‌بریم که هر دوی این گروه قوانین و مقرراتی جهت حفظ و گسترش حقوق جنگ مطرح نموده‌اند. با توجه به نتایج حاصل شده، در فقه امامیه سه عنصر مهم در راستای ضمانت اجرای حقوق جنگ وجود دارند که عبارتند از: تقوای مسلمانان، ترس از آخرت و وجود امام عادل. همچنین قوانین ضمانت اجرای کیفری بین‌المللی و ضمانت اجرای مدنی بین‌المللی در اسناد حقوق بین‌الملل به روشنی بر ضمانت اجرای حقوق جنگ تأکید داشته‌اند.

واژگان کلیدی: ضمانت اجرا، حقوق جنگ، فقه امامیه، کنوانسیون‌های بین‌المللی، اسلام

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی اندیشه‌های امام خمینی (ره)، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی،

rasol.hamidpor41@yahoo.com

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

^۲ دانشیار، دکتری فقه و حقوق اسلام، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز (نویسنده مسئول)

rahimvakilzadeh@gmail.com

^۳ دانشیار، دکتری حقوق بین‌المللی عمومی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

movassaghi@iaut.ac.ir

ضمانت در لغت به زمین‌گیری و اجراء به راندن معنا شده است و در اصطلاح حقوقی ضمانت اجرا حمایت مراجع رسمی در اعمال قانون و عرف می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۴۲). به طوری که برای اطمینان از اجرای هر قاعده حقوقی تدابیری نیاز است که بر اساس آنها عکس‌العمل متناسبی در مورد تخلف از اجرای قواعد مزبور از سوی جامعه در نظر گرفته می‌شود که همین امر پشتوانه اجرای مقررات حقوقی می‌باشد (باقرزاده، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۱).

مجموعه قواعد حاکم بر روابط دو طرف متخاصم در جنگ و همچنین روابط آنها با طرف‌های ثالث و بی‌طرف را «حقوق جنگ» می‌نامند. با این وجود مفهوم جهاد و تفاوت آن با مفهوم حقوق جنگ را اینگونه می‌توان توصیف کرد: جهاد در فرهنگ اسلامی، یا جهاد اکبر است (ملارزه با نفس) و یا جهاد اصغر، به معنای جنگ کردن در راه خدا و برای خدا با دشمنان خدا. جهاد به معنای اخیر یا جهاد با کفار است یا جهاد با منحرفین و یاغیان علیه امام زمان.

با این اوصاف، مفهوم جنگ از جهاد وسیع‌تر است؛ زیرا شامل همه منازعات می‌شود و جهاد نوعی از آن است. مفهوم جهاد نیز از جهتی وسیع‌تر از جنگ است؛ زیرا شامل نبرد یا یاغیان نیز می‌شود؛ اگرچه فاقد سازمان و تشکلات خاص باشند. بنابراین، حقوق جنگ در اسلام، مجموعه مقرراتی است که دولت اسلامی و سایر مسلمانان هنگام درگیری با دشمن رعایت می‌کنند. به بیان گویاتر، در حقوق بین‌الملل، ضمانت اجرای کیفری در مقابل نقض قواعد خاص و مشخص که به عنوان «جرم بین‌المللی» را دارند تعیین می‌گردد، در حالی که ضمانت اجرای مدنی به‌طور کلی می‌تواند در رابطه با نقض هر قاعده حقوق بین‌الملل حادث گردد، بدون آنکه نیاز به قید آن در قواعد حقوقی باشد. البته جرائم بین‌المللی صرف نظر از اینکه دارای ضمانت اجرای کیفری باشند، ممکن است ضمانت اجرای مدنی را نیز به دنبال داشته باشند (جبران ضرر و زیان ناشی از جرم). «طرفین متخاصم که قواعد مقرر در این عهدنامه را نقض نمایند، ملزم به جبران خسارات وارده هستند. مسئول کلیه اعمال ارتكابی از سوی اعضای نیروهای مسلح خود می‌باشند» (ماده ۳).

امروزه حقوق جنگ «دارای یک نظام ضمانت اجرای گسترده است که هدفش حمایت از قربانی است، نه به کیفر رساندن مجرم، معذالک اثر بازدارنده ضمانت اجرا را نمی‌توان فراموش کرد» (Torreli, 1985: 116)، هر چند بسیار بعید به نظر می‌رسد که در مورد ضمانت اجرای کیفری، جامعه بین‌المللی مبتنی بر روابط یا نهاد؛ بتواند به حد سازمان جوامع داخلی برسد (Furet et, 1979: ۲۷۱).

۱- منابع حقوق و مقررات جنگ در فقه امامیه

همانطور که می‌دانیم کتب اربعه شیعه یعنی، «کافی» کلینی (۳۲۹ هـ.ق)، «من لا یحضر الفقیه» شیخ صدوق (۳۸۱ هـ.ق) و «تهذیب و استبصار» شیخ طوسی (۴۶۰ هـ.ق) پس از قرآن از جمله مهم‌ترین منابع در فرهنگ شیعه امامیه است که در حقیقت زیر بنای اولیه تفکر فقهی و فرهنگی و سیاسی شیعه امامیه را تشکیل می‌دهد. در این کتب مهم نیز بخشی به مبحث «جهاد» و «جنگ» و نیز مباحث

مرتبط با آن یعنی «امر به معروف و نهی از منکر» اختصاص یافته است. و از آنجائی که شروع و تدوین این کتب اولیه در دوره مهم و حساس تاریخ تشیع یعنی غیبت صغری آغاز و پس از آن در اوایل دوران غیبت کبری نوشته شده است، بررسی و تحلیل شرایط اجتماعی و بستر تاریخی که این کتب در آن تدوین شده است اهمیت بسزایی دارد. از جمله افرادی که فرایند تدوین و شکل‌گیری باب «جهاد» کتب اربعه شیعه را در بستر تاریخ مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده «آندره نیومن» است.

آندره نیومن با بررسی و مطالعه وضعیت تاریخی و محیط اجتماعی که کتب اربعه شیعه در آن خلق شده تأکید می‌کند که «معتقدات و اعمال شیعیان اثنی عشری در اواخر قرن ۳ به بعد و خصوصاً با شروع غیبت امام دوازدهم چه به طور اعم و چه به صورت خالص در مورد «جهاد» دستخوش تغییرات بزرگی شده است که به ساختار متغیر خود امت شیعی و ماهیت متغیر ارتباط امت شیعه دوازده امامی با اکثریت غیر شیعی باز می‌گردد (دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۱۲۶-۱۲۵).

۱-۱- محمد بن یعقوب کلینی

محمد بن یعقوب کلینی در سده سوم هجری در ری به دنیا آمد. از آنجا که برخی قراین تاریخی نشان می‌دهد کلینی با فاصله کوتاهی، قبل یا پس از ولادت امام دوازدهم (عج) حدود (۲۵۵ هـ.ق) ولادت یافت (نصیری، ۱۳۸۸: ۳۱). البته از جمله امتیازات کتاب کافی کلینی و شیخ صدور «کمی واسطه بین محدث تا معصوم» است که این امر تا حدی بر اعتبار روایات آنها افزوده است، زیرا آنان نسلی هستند که پس از دوران حضور، افتخار نقل روایات را دارند، و بین آنان و معصومان (ع) نقل می‌کند (مؤدب، ۱۳۸۸: ۹۲).

با این وجود تحلیل نیومن درباره گزینش اخبار مربوط به جهاد توسط کلینی بسیار جالب توجه است، در واقع کلینی در باب جهاد بیشتر بر جنبه‌های معنوی و فضائل جهاد تکیه کرده و همزمان با ذکر روایات تاریخی بر اهمیت جهاد اصغر تأکید می‌کند. از نظر نیومن در زمان کلینی که مصادف با غیبت صغری بود در جامعه پیرامون مسائل و مشکلات دینی و اعتقادی هنوز نوعی توجه به گذشته و شخصیت امامان شیعه وجود داشت و این خود موقعیتی کم و بیش متزلزل در جامعه شیعه امامیه به وجود آورده بود. با این تفاوت که به مؤمنان هشدار می‌دهد، از دست‌زدن به هر اقدامی بر سر موضوعاتی که متن روشنی درباره‌شان وجود ندارد تا «دیدار با امام» به تأخیر بیندازند.

نیومن معتقد است که کلینی در جمع‌آوری اخبار تسامحی از خود نشان نداده و خصوصاً در باب جهاد ۱۱۶ خبر که به ۲۷ باب تقسیم شده می‌آورد و در آن امت را امر به اتخاذ موضع جدایی‌طلبانه و کم و بیش مبارزه‌جویانه فعال و مشخصی می‌کند که با منع آشکار اقدامات تهاجمی نظامی آشکار تا زمان رجعت امام دوازدهم تلطیف شده است و مرجعیت نهایی، بنابر اخبار با امام است و اینها همه با احساس بازگشت قریب‌الوقوع خود امام به جامعه همراه شده است (مؤدب، ۱۳۸۸: ۱۳۲-۱۲۸).

۱-۲- شیخ صدوق

کتاب «من لا یحضره الفقیه»، تألیف شیخ صدوق از محدثان بزرگ شیعه در قرن ۴ است (نصیری، ۱۳۸۸: ۷۲). نیومن به دانشمندان مکتب قم نیز اشاره می‌کند که شیخ صدوق به عنوان نمونه بارز این مکتب، همانند دیگران همچنان به جمع‌آوری و تألیف اخبار امامان مشغول بود و همچنان دخالت دادن استنباط را در فرآیند بیان اعتقادات و اعمال شیعه امامیه به طور کلی رد می‌کرد.

او معتقد است که از دوران شیخ صدوق به بعد، جامعه شیعی به دلیل داشتن نگرش باطنی (عرفانی) درباره غیبت امام، ناچار به تبیین مجدد نقش روحانیت در میان امت بود و با ورود جریان عقل‌گرایی در تفکر شیعه در اواخر دوران آل‌بویه نگرش و برداشت شیعیان نسبت به دستگاه و حکومت غیرشیعه تغییر پیدا کرد و این خود موجب بروز تغییرات بنیادی بعدی در برخورد شیعیان با حاکم ظالم و جانش از روی مصلحت با آنان شد (نصیری، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۳۹).

شیخ صدوق در «من لا یحضره الفقیه» هیچ کتاب و باب خاصی را به جهاد اختصاص نداده است. نیومن همین امر را دلیل بر تلطیف و تسامح جامعه شیعی در برخورد با حاکم جائر و اکثریت غیرشیعه می‌داند و می‌نویسد: «به احتمال زیاد، او می‌کوشیده تا جنبه‌های جدایی‌طلبانه و مبارزه‌جویانه تشیع امامی را در این دوره با نادیده گرفتن کلیه امکانات بالقوه جدایی‌طلبانه تعدیل کند» (نصیری، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

تحلیل نیومن درباره چیرگی روح تسامح در جامعه شیعی و بازتاب آن در کتب روایی عصر شیخ صدوق تا حدودی درست به نظر می‌رسد، زیرا قطعاً فضای فرهنگی و سیاسی حاکم بر جامعه بر نوع‌گزینش و تدوین روایات و همچنین نگرش محدث و فقیه مؤثر است و این مسأله در آثار شیخ صدوق نیز دیده می‌شود، به طوری که برخی محققین معتقدند شیخ صدوق در کتب حدیثی خود در بسیاری موارد به ذکر زمینه‌های غیرفقهی، همچون آداب و اخلاق تعلیم و تعلم پرداخته است، و از این جهت حتی کتاب «من لا یحضر» را یک کتاب «فقهی - اخلاقی» قلمداد می‌کنند (نصیری، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۵).

۱-۳- شیخ طوسی

شیخ طوسی متولد (۳۸۵ هـ.ق) از بزرگ‌ترین فقها و محدثان شیعه است. دو کتاب «تهذیب الاحکام» و «استبصار» سومین و چهارمین، جامع حدیثی و فقهی کتب اربعه شیعه به‌شمار می‌رود. هر دو کتاب مشتمل بر روایات فقهی است. نیومن معتقد است که پس از شیخ صدوق، شیخ طوسی نیز به نوعی از لزوم اقدام نظامی توسط امت شیعیان می‌کاهد و نیز لزوم فعالیت‌های جدایی‌طلبانه آشکارا علیه حاکم جور و غیره تا حد بسیار زیادی پایین می‌آورد و این نشان دهنده تبیین نقش روحانیت در دوران غیبت است که مثلاً جهاد تهاجمی را فقط با اجازه امام مجاز می‌داند و جهاد دفاعی را جایز شمرده و فقط نایب امام است که می‌تواند اقدام به جهاد کند و نقش رهبری آنرا به عهد بگیرد.

نیومن نتیجه می‌گیرد که در طول دوران تکامل و تدوین کتب اربعه شیعه از زمان کلینی (آغاز غیبت صغری) تا اواخر دوران آل‌بویه، سیاست‌های جدایی‌طلبانه و مبارزه‌جویانه به مرور زمان از بین می‌رود و به دلیل موقعیت متزلزل شیعیان اثنی عشری و خفقان سیاسی حاکم بر آنان در طول دوران جای خود را به «نقیه سیاسی» می‌دهد که به نوعی شامل فعالیت‌های مداراجویانه با نهادهای سیاسی موجود در آن زمان می‌شد که در دست اکثریت غیرشیعه بود و این امری است که به مراتب در چگونگی تدوین و گزینش روایات

و اخبار در کتب اربعه شیعه درباره جهاد دیده می‌شود. او معتقد است که انسان‌ها افرادی تک افتاده نیستند که در خلاء آثارشان را بنویسد (نیومن، ۱۳۶۷: ۱۴۴-۱۴۱). هرچند بیشتر مستشرقان در تبیین نقش «نیابت امام» و نیز شکل‌گیری «نهاد روحانیت شیعه» در طول تاریخ سیاسی شیعه مبالغه می‌کنند. اما سیر تحولی را که نیومن درباره «جهاد» و تغییر و تحولات تفکر شیعه در آن بررسی می‌کند بسیار حائز اهمیت است. و اینکه جامعه شیعه تا قبل از دوران قاجاریه و ظهور مجدد «نظریه جهاد» همواره از تفکر نخستین جهاد ابتدایی و دعوت همه غیرمسلمانان به اسلام فاصله گرفته و تا نظریه «دفاع از اسلام» یا «جهاد دفاعی» و «دفاع از خود» پایین آمده و تعدیل شده است.

۲- ضمانت اجرایی حقوق جنگ در فقه امامیه

آنگاه که جنگ به پایان می‌رسد، یکی از ۳ حالت رخ می‌دهد: شکست، پیروزی، صلح. درباره صلح، بحث عمده مربوط به شرطی است که در پیمان صلح گنجانده می‌شود و حلالی را حرام یا حرامی را حلال می‌سازد، جز در این مورد، آنچه در پذیرش شرط‌های صلح یا چند و چون تنظیم پیمان آن، اعتبار دارد، رأی پیشوای مسلمانان یا جانشین او (امیر، کارگزار و فرمانده) است که به اقتضای توان لشکر اسلام تصمیم می‌گیرد (حسینی ژرفا، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

۲-۱- حقوق اسیران جنگی

فقهای اهل سنت و شیعه اسلامی اسیران جنگ را به ۲ بخش: سربازان مسلمان و اتباع دیگری که به اسارت دشمن درآمده‌اند، و اتباع و سربازان یک نیروی غیر مسلمان که توسط مسلمانان اسیر شده‌اند تقسیم می‌کنند. در تعیین سرنوشت نهایی اسیران جنگی بین فقهای اهل سنت و شیعه اختلاف نظر وجود دارد که در برخی از موارد این اختلاف، صوری و در بعضی از موارد محتوایی است.

پروفسور حمیدالله درباره دیدگاه فقهای اهل سنت خصوصاً مکتب حنفی و شافعی می‌نویسد: «در حقوق اسلامی تصمیم‌گیری درباره انجام دادن امور زیر راجع به اسرای جنگی به صلاح‌دید فرمانده ارتش اسلام و یا امام واگذار شده است».

(۱) گردن زده شوند؛ (۲) برده شوند؛ (۳) با پرداخت فدیة آزاد شوند؛ (۴) با اسرای مسلمان مبادله گردند؛ (۵) براساس رأفت آزاد گردند» (حمیدالله، ۱۳۸۱: ۲۴۵).

قاضی ابو یوسف در کتاب «الخراج» امام را مختار بین قتل و گردن‌زدن یا فداء یعنی آزادی همراه فدیة و غرامت می‌داند و می‌نویسد: «عقیده من این است که تصمیم‌گیری در مورد اسیران بعهدہ «امام» است. بنابراین اگر «امام» ترجیح دهد که اسیران کشته شوند می‌تواند آنها را بکشد و اگر فداء را اصلح تشخیص دهد می‌تواند اسیران را با اسیران مسلمانان در جبهه دشمن معاوضه نماید» (ابویوسف، ۱۳۹۹ هـ.ق: ۱۹۵).

در دیدگاه فقهای شیعه درباره حکم اسیر و سرنوشت او مناقشاتی دیده می‌شود. یکی از محققان معاصر، در این باره می‌نویسد: «شگفت این که در مسئله اسیران فقیهان شیعه از جهتی از فقهاء اهل سنت نیز نظریه خشونت بارتری را ارائه داده‌اند هر چند از جهتی دیگر نیز فقهاء شیعه نظریه معتدل‌تری را مطرح ساخته‌اند چه اینکه اینان بین اسیرانی که قبل از فروریزی جبهه دشمن به اسارت درآمده با اسیران جبهه دشمن بعد از فروپاشی تفصیل قائل شده‌اند، نظر مشهور فقهاء شیعه در مورد اسیران قبل از پایان جنگ این است که راهی جز کشتن در مورد آنان وجود ندارد ولی اسیران بعد از فروپاشی جبهه دشمن را به هیچ عنوان نیابستی کشت و حاکم اسلامی تنها می‌تواند آنها را بدون فداء و یا با فداء آزاد سازد و در صورت لزوم آنها را برده قرار دهد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۵۷۹-۵۴۳).

از نظر این محقق آغازگر تفکیک بین اسیران دوران برپایی جنگ و اسیران بعد از خاموشی آن ظاهراً شیخ طوسی است و از آنجا که موقعیت شیخ طوسی در میان محققان متأخر موقعیتی ممتاز و بعنوان شیخ الطائفه مطرح بوده و هست، علماء بعدی، به تبع او همان نظریه را پذیرفته و بقول معروف مانند مقلدان در برابر رأی مرجع خویش اجازه چون و چرا به خود نداده‌اند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۵۶۲).

محقق مورد نظر با بررسی و جرح و تعدیل روایتی که مرجع استنباط و اجتهاد شیخ طوسی بوده، به ضعف رجالی یا سندی روایت فوق اشاره کرده و در آخر امر اثبات می‌کند که جواز کشتن اسیر در اسلام هیچگاه به معنای امری گزاف و خودسرانه نبوده بلکه مخصوص مواردی بوده که مصالح اجتماعی اسلام و مسلمانان آن را اقتضاء داشته و این چیزی است که در کمتر مواردی اتفاق می‌افتاده است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۵۷۷).

محقق مورد نظر، علت بروز چنین اجتهادها و استنباط‌هایی را این امر می‌داند که در تاریخ آرای فقهی علماء شیعه در گذشته ضمان اجرا نداشته است، زیرا در طول تاریخ هزار و چهار صد ساله اسلام حکومت‌های وقت طرفدار آرای اهل سنت بوده و با تشیع و اندیشه او سازگار نبوده‌اند. از این جهت در بسیاری از اینگونه مسائل اجتماعی که در عمل ضمان اجرا نداشته فقهاء شیعه به بررسی یک مسئله در قالب تئوری و نظریه‌پردازی، آن هم به صورت گذرا اکتفا نموده‌اند. و همین مسئله موجب گردیده که در مواردی از متن واقع فاصله بگیرند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۵۶۲).

۲-۲- حقوق زنان و کودکان

در جای جای کتب حدیثی اهل تشیع، روایات بی‌شماری وجود دارد که به بیانهای مختلف و شدت و حدت زیادی از قتل و آسیب به کودکان و زنان نهی کرده است و این از سفارشات پیامبر اسلام و امامان معصوم (ع) نیز به دست آمده است. و نیز گاهاً مواردی که خشم پیامبر از دیدن جسد یک زن در معرکه جنگ و موضع‌گیری شدید ایشان از قتل زنان و کودکان و عدم حقوق آنان را در پی داشته است، موارد زیادی را می‌توان یافت که در کتب حدیثی مسلمین بسیار است (میرعرب، ۱۴۲۶ هـ.ق: ۱۷۱-۱۶۹؛ ۱۶۱-۱۵۷).

در متون حدیثی و فقهی مواردی به عنوان معذورین از شرکت در جنگ مطرح شده است که نسبت به سپاه خودی است و باز مواردی در جنگ با متخاصمین مطرح شده که ارتباط با سپاه مقابل است. در باب معذورین از جنپ در دو صنف کودکان و زنان

وجود دارد و تأکید بر عدم جواز شرکت آنها در جنگ است. این موارد هم در منابع شیعه و هم منابع عامه به وضوح دیده می‌شود. همچنین در مورد استفاده زنان به عنوان سرباز فقط یک مورد هست که اسلام جواز داده که آن نادر است و در صورتی که تجاوز دشمن به شهرها و اماکن غیرنظامی نزدیک است و بیم سلطه دشمن می‌رود، اینها همانطور که گفته شد بر همه مسلمین واجب است تا در دفاع شرکت کنند و این موضوع، مورد اتفاق علمای اسلام اعم از شیعه و سنی است (حسینی طهرانی، ۱۴۰۷ هـ.ق: ۲۲).

به اجماع فقهای شیعه، زنان و کودکان از تعرض مصونند و کشتن آنها ممنوع است. مستند فتوای فقها، نصوص منقول از پیامبر اسلام و عمل وی و همچنین عمل امامان معصوم (ع) است. آورده شده است که پیامبر فرموده‌اند: «لا تقاتلوا إمرأه و لا ولیداً»؛ زنان و کودکان را نکشید. به نظر بسیاری از مفسران قرآن کریم، کشتن زنان و کودکان از مصادیق «اعتداء» است که در قرآن به موجب آیه «ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین»^۱ منع گردیده است. ابن عباس و مجاهد نیز گفته‌اند: «نهی از اعتدا به منظور منع از کشتن زنان و کودکان وارد شده است (طبرسی، ۱۴۱۵ هـ.ق: ۲۸۵).

آنچه گفته شد در حالی است که زنان و کودکان به مسلمانان حمله نکنند و یا نقش کمک‌رسانی نداشته باشند، ولی آنچه جزء مقاتلین به شمار آیند، به نظر اکثر فقها کشتن آنان مجاز است. نووی بیان داشته است: «اگر زنان و کودکان در جنگ شرکت کنند به نظر اکثر فقها کشتن آنان مجاز است (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۱۱۲). دلیل آنان این است که عدم جواز کشتن آنها، به علت عدم مقاتله آنان است و چون حکم دادر مدار علت آن است، چنانچه زنان و کودکان به قتال مبادرت ورزند کشته خواهند شد (الزحیلی، ۱۴۱۹ هـ.ق: ۴۷۳).

چند تن از فقهای امامیه از جمله ابی‌الصلاح در کتاب «الکافی» در این نظر با فقهای سایر مکاتب موافق هستند و قتل زنان و کودکان را در صورت شرکت در جنگ مجاز می‌دانند (مروارید، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۳۷)؛ ولی به نظر اکثر فقهای امامیه کشتن زنان و کودکان مطلقاً ممنوع است، حتی اگر در جنگ شرکت کنند. محقق حلی گفته است: «کشتن زنان و کودکان، هر چند در عرصه نبرد، کمک‌رسانی کنند مطلقاً ممنوع است و حقوق آنان باید رعایت شود» (الحلی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۳۱۲). شیخ طوسی نیز در این باره گفته است: «کشتن زنان مجاز نیست، گرچه به کمک همسرانشان علیه مسلمانان بجنگند، مگر در مورد اضطرار» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ هـ.ق: ۱۳).

۳-۲- ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی و غیر متعارف

شریعت اسلام با اینکه بر مبنای نگرش توحیدی و رویکرد ایدئولوژیک خود به مسأله جنگ نگاه می‌کند و علاوه بر جهاد دفاعی، در برخی موارد اقدام تهاجمی (جهاد ابتدایی) علیه دشمن را نیز مجاز و مشروع می‌داند؛ اما با این حال، از نظر فقه امامیه که دین اسلام موجب رحمت و سعادت است، هدف هیچگاه وسیله را توجیه نمی‌کند و مسلمانان در انتخاب و کاربرد سلاح‌های گوناگون دارای حق نامحدود نیستند و باید با رعایت چارچوبی که حرمت و کرامت انسانی را محفوظ نگه می‌دارد، با دشمن برخورد کنند. دینی که درصدد حمایت از کرامت انسانی و تسهیل مسیر رشد و تعالی اوست، به دولت اسلامی اجازه نمی‌دهد که برای رسیدن به

^۱ بقره، آیه ۱۹۰.

اهداف هرچند مقدس و مشروع، از ابزار و تسلیحات نامشروع استفاده نماید. چرا که بدون هیچ گونه تردیدی، کاربرد این گونه سلاح‌ها ذاتاً با اصول انسانیت و ضمانت اجرایی حقوق جنگ در فقه امامیه منافات دارد.

برای تبیین اصل ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی در فقه امامیه، به نظر می‌رسد که ابتدا لازم است در خصوص تفکیک بین حق تولید و بهره‌مندی از سلاح‌های مدرن و بین به کارگیر آنها، نکاتی بیان شود و سپس به مواردی از سلاح‌ها و روش‌های در راستای ضمانت اجرایی حقوق جنگ در فقه امامیه اشاره نمود.

(۱) تفکیک بین حق تهیه و تولید تسلیحات نظامی مدرن و بین به کارگیری آنها در طول جنگ

در حقوق اسلام نیز مانند حقوق بین‌الملل، مسأله داشتن تسلیحات و استفاده از آنها، از هم جدا شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «واعدوا هم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهیون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم الله یعلمهم...»؛ و برای (مقابله با) دشمنان، هر چه در توان دارید، از نیرو و قدرت و اسبان ورزیده فراهم آورید، تا به وسیله آنها دشمنان خدا و دشمنان خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما نمی‌شناسید، ولی خداوند آنها را می‌شناسد، بترسانید و تهدید نمایید. آیین آیه به یک اصل حیاتی در زمینه حفظ موجودیت و بقاء مسلمانان اشاره می‌کند که منحصر به عصر و زمان خاصی نیست. آماده باش همه جانبه مسلمانان در برابر دشمنان و تهیه هر نوع سلاح، امکانات، وسایل و شیوه‌های تبلیغی، دستوری است که رعایت آن، سبب هراس دشمنان اسلام از نیروهای رزمی مسلمانان می‌شود.

بر همین مبنا، پیامبر اکرم (ص) وقتی با خبر شدند که در یمن اسلحه جدید ساخته شده، شخصی را برای تهیه آن به یمن فرستادند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۵۱). علامه طباطبائی در توضیح مراد از «قوه» مینویسد: «و هی فی الحرب کل ما یتمشی به الحرب و الدفاع من انواع الاسلحه و ارجال المدریین» که علاوه بر انون اسلحه، تربیت رزمندگان مجرب و کارآموده را نیز ذکر کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۱۱۴).

حضرت امام خمینی (ره) نیز در این باره می‌فرماید: «... توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور، از اهداف اصولی و اولیه نظام است و با توجه به ماهیت انقلابان، در هر زمان و هر ساعت باید احتمال تجاوز مجدد ابرقدرت‌ها و نوکرانشان را جدی بگیریم» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۸).

(۲) ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی

اگرچه در صدر اسلام و عصر معصومین (ع)، چنین سلاح‌هایی وجود نداشته است، اما با روش‌های مشابهی مانند پراکندن سم در شهرها و سرزمین مشرکین، امکان خسارت زدن به نیروهای نظامی و غیرنظامی دشمن وجود داشته است. با این حال، ائمه معصومین (ع)، نه تنها از چنین روش‌هایی استفاده نکرده‌اند، بلکه نیروهای خود را نیز از انجام چنین کارهایی برحذر داشته‌اند.

بر همین مبنا، فقهای بزرگوار شیعه نیز به صراحت از ممنوعیت استفاده از سم در جنگ به منظور بازوی ضمانت اجرایی حقوق جنگ سخ گفته‌اند. همچنین برخی از فقهای آتش افروختن، ایجاد سیل و باز کردن آب بر روی دشمن، به گونه‌ای که منجر به نابودی سرزمین آنان گردد، را ممنوع و برخی مکروه اعلام کرده‌اند.

شیخ طوسی در «نهایه» آورده است: «لا يجوز ان يلقى في بلادهم السم» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ هـ.ق: ۵۱)؛ قاضی ابن برآج نیز می‌گوید: «ولا يلقى السم في ديارهم و قد اجاز ذلك قوم من اصحابنا و الافضل تركه» (ابن برآج قاضی، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۸۲).

مؤلف شرایع الاسلام اعتقاد دارد: «و يكره رمى النار و تسليط المياه الا مع الضرورة و يحرم بالقاء السم»؛ آتش گشودن و باز کردن آب بر سرزمین دشمن جز در موارد ضرورت مکروه است، البته پراکندن سم حرام می‌باشد (حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۲۰۳).

نظریه این فقها در راستای قواعد کلی اسلامی است که به موجب آن افراط در کشتار، حتی اگر موجه هم باشد، منع شده است. از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه نقل است که: «الرحم و الشفقه عمل الاولياء فاذا قتلتم فاقتلوا بعدل»؛ رحم و شفقت کار اولیاء خداست، اگر می‌کشید، عادلانه بکشید (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۸۶).

آیت الله سید محمد صدر در این زمینه می‌نویسد: «هرچند این حدیث نبوی تنها نام سم را ذکر کرده است، اما تمامی سلاح‌های کشتار جمعی را نیز فرا می‌گیرد، زیرا سلاح‌هایی همچون سلاح‌های هسته‌ای و غیره، گناهار و بی‌گناه، مسلح و غیرمسلح، همه را نابود می‌کند (صدر، ۱۴۲۰ هـ.ق: ۲۷۲).

۳- کنوانسیون‌های بین‌المللی ضمانت اجرای حقوق جنگ

قراردادها از جمله منابع عمده حقوق جنگ هستند و بخش اعظم این مقررات به صورت حقوق قراردادی و مدون می‌باشد. این گونه قراردادهای بین‌المللی را می‌توان به ترتیب تاریخ انعقاد، به شرح زیر بر شمرد:

(۱) اعلامیه پاریس مورخ ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ در زمینه قواعد جنگ دریایی؛

(۲) عهدنامه ژنو مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران جنگی و کارکنان بهداری؛

(۳) اعلامیه سن پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۶۸ در مورد ممنوعیت استفاده از گلوله‌های انفجاری کالیبر کوچک؛

(۴) اعلامیه نهایی کنفرانس بروکسل مورخ ۱۸۷۴ درباره مقررات و رسوم جنگ. این اعلامیه، برای اولین بار فرق میان نظامیان و غیرنظامیان را مشخص کرد؛

(۵) عهدنامه‌های لاهه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ مشتمل بر دو قرارداد و سه اعلامیه در زمینه حقوق جنگ است؛

(۶) عهدنامه ۱۹۰۴ لاهه در مورد مصونیت کشتی‌های بیمارستانی؛

۷) عهدنامه مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۰۶ در مورد حمایت از بیماران و مجروحان جنگی، این عهدنامه، عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو را مورد تجدید نظر قرار داد؛

۸) عهدنامه واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ در زمینه تحدید سلاح‌های دریایی و محدود نمودن تعداد کشتی‌های جنگی و عدم استفاده از زیردریایی؛

۹) پروتکل ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۵ در زمینه منع استعمال گازهای خفکان‌آور، سمی یا مشابه آنها و نیز مواد میکروبی؛

۱۰) عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ در مورد رفتار با مجروحان یا بیماران و سرنوشت اسیران جنگی، این عهدنامه مجدداً عهدنامه ژنو را مورد تجدید نظر قرار داد؛

۱۱) پروتکل لندن مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۳۰ مربوط به قواعد جنگ دریایی؛

۱۲) قرارداد مورخ ۱۹۳۵ در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی، مراکز علمی و هنری در زمان جنگ؛

۱۳) پروتکل لندن مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۶ در زمینه ممنوعیت حمله به کشتی‌های بازرگانی توسط زیردریایی‌ها؛

۱۴) قرارداد لاهه مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ در زمینه حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ؛

۱۵) قرارداد مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۷ در زمینه منع استفاده خصمانه از تکنیک‌های تغییر محیط‌زیست طبیعی؛

۱۶) قراردادهای مربوط به منع یا تحدید سلاح‌های هسته‌ای (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۸۲-۸۰).

۳-۱- ضمانت اجرای کیفری بین‌المللی

جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، جرائم بین‌المللی به شمار می‌روند و همانند سایر جرائم موضوع حقوق بین‌الملل نظیر جنایات علیه صلح، بر روابط میان دولت‌ها (کشورها) تأثیر می‌گذارند. ارتکاب این جرائم، حریم ارزش‌هایی را که همگان معتبر شناخته‌اند خدشه‌دار می‌کند. جرم دانستن این اعمال موضوعی است که در چهارچوب حقوق بین‌المللی عمومی مطرح می‌شود و منشاء آن در هنجارهای بین‌المللی نظیر عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی، رویه و آرای قضایی و نظریه‌های بین‌المللی نهفته است. «این جنایات، همچنین موضوع مقررات داخلی قرار می‌گیرند. این وظیفه به عهده قانونگذاران داخلی داخلی گذاشته شده است که جرائم بین‌المللی را با ضمانت‌های اجرایی کافی همراه سازند...» (فرانسیون، ۱۳۶۵: ۲۰۹).

۱) طبقه بندی جرائم در اساسنامه‌های نورمبرگ و توکیو

مهم‌ترین سند بین‌المللی که جرائم ناشی از جنگ را دقیقاً طبقه‌بندی و امضاء می‌کند، اساسنامه‌های دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو مورخ ۸ اوت ۱۹۴۵ (موافقتنامه لندن) و ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶ می‌باشد. به موجب مقررات مذکور، جرائم ناشی از جنگ عبارتند از:

جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت. دادگاه‌های نظامی بین‌المللی طبق اساسنامه‌های خود به اتهامات رسیدگی و مورد سه نوع جنایات یاد شده، آراء مقتضی صادر کردند. البته در این دادگاه‌ها فقط به اتهامات «جنایتکاران بزرگ جنگی» رسیدگی شد و بقیه متهمان در هر یک از دادگاه‌های نظامی کشورهای اصلی محل وقوع جرم (آمریکا، فرانسه، انگلستان و روسیه) مستقر در بخش‌های اشغالی آلمان و توکیو مورد قضاوت قرار گرفتند.

۲) طبقه بندی جرائم در عهدنامه‌های ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی

عهدنامه‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی آنها، پس از آنکه یک سری از اعمال و رفتار ممنوعه یا نامشروع را بر می‌شمارند (ماده (۳) مشترک در چهار عهدنامه و ماده (۱۵) پروتکل شماره یک).

در موارد آتی‌الذکر خود اعمالی را به عنوان «جرام مهم» قید می‌کنند. جرائم مهم ارتكابی علیه افراد یا اموال تحت حمایت عبارتند از: قتل عمد، شکنجه یا رفتار غیر انسانی شامل آزمایش‌های زیست‌شناسی، وارد کردن آلام شدید به‌طور عمدی یا لطمه شدید به تمامیت جسمانی یا به سلامتی، انهدام یا ضبط اموال بدون ضرورت جنگی (ماده (۵۰) عهدنامه یکم، ماده (۵۱) عهدنامه دوم، ماده (۱۳۰) عهدنامه سوم و ماده (۱۴۷) عهدنامه چهارم).

پروتکل شماره یک، خلاء شگفت‌انگیز عهدنامه‌های ژنو را با محکومیت استعمال متقلبانه علامت مشخصه صلیب سرخ برطرف می‌کند. پروتکل دامنه اعمال ضمانت اجرای کیفری را با پیش‌بینی در ماده (۸۶) توسعه می‌دهد. به موجب این ماده، جنایات ممکن است در اثر فعل یا ترک فعل «مغیر با انجام وظیفه» صورت گیرد (از جمله الزام به اطعام اسیران) (Torrelli, 1985: 119). در تبصره ماده (۸۵) همان پروتکل، جرائم مهم به منزله «جنایات جنگی» محسوب می‌شود. چنین تعمیمی، پیشرفتی است که بر اهمیت آن بسیار تاکید شده است (فرانسیون، ۱۳۶۵: ۲۱۹).

۳-۲- ضمانت اجرای مدنی بین‌المللی

مسئولیت کیفری بین‌المللی، صرف نظر از اینکه ضمانت اجرای کیفری (مجازات) را به همراه دارد، ممکن است ضمانت اجرای مدنی بین‌المللی را نیز به دنبال داشته باشد. ضمانت اجرای مدنی در این رابطه در واقع همان جبران ضرر و زیان ناشی از جرم است. پس هرگاه در اثر وقوع کم جرم بین‌المللی خسارتی وارد آید، یا مجرم بین‌المللی ملزم به جبران آن می‌باشد.

در طرح اولیه پروتکل‌های الحاقی به عهدنامه‌های ژنو که توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تهیه و تنظیم شده بود، اصل جبران خسارات ناشی از نقض حقوق جنگ، مخصوصاً عهدنامه‌ها و پروتکل‌های ژنو پیش‌بینی نشده بود. سکوت مزبور باعث شد تا موضوع به حقوق بین‌الملل عام احاله گردد. این خلاء ادامه داشت تا اینکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه مه ۱۹۷۴ (ششمین اجلاس فوق‌العاده) و کشورهای غیرمتعهد در کنفرانس کلمبو در اوت ۱۹۷۶، جبران خسارات وارده به کشورهای قربانی اشغال‌های خارجی را ضروری دانستند. بالاخره در اجلاس پایانی کنفرانس دیپلماتیک ژنو که به منظور اتخاذ تصمیم در مورد طرح کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تشکیل شده بود (اجلاس ۱۹۷۷) نمایندگان کشورهای الجزایر، یوگسلاوی (سابق) و جمهوری سوسیالیستی

ویتنام (سابق) پیشنهاد گنج‌نیدن ماده‌ای را در طرح مزبور کردند که متضمن تعهد به جبران خسارات ناشی از نقض حقوق جنگ بود. در ۲۸ آوریل ۱۹۷۷ کمیسیون شماره یک کنفرانس دیپلماتیک، این طرح ماده را تحت شماره ۹۱ پروتکل شماره یک به صورت کنسانسوس مرود تصویب قرار داد. این ماده به مسئولیت مجرمین نسبت به عهدنامه‌ها و پروتکل شماره یک ژنو اختصاص دارد. طبق مفاد ماده مزبور «طرف متخاصمی که مقررات عهدنامه‌ها یا پروتکل را نقض کند، موظف به پرداخت غرامت خواهد بود. چنین طرفی مسئول کلیه اعمال ارتكابی از سوی افرادی است که عضو نیروهای مسلح او می‌باشند». ماده مذکور دارای نکات قابل توجهی می‌باشد، از جمله (Furet et, 1979: 296-297):

(۱) مقررات یاد شده، به خودی خود جدید نیست، بلکه تنها یک اصل کلی حقوقی را بیان می‌کند که به دفعات در رویه قضائی بین‌المللی منعکس شده است؛

(۲) متن بسیار محدود است، چون کلیه مواردی که یک طرف متخاصم امکان دارد مسئول شناخته شود را نمی‌پوشاند. از جمله تنها از مسئولیت اعمال ارتكابی از سوی اعضای نیروهای مسلح سخن می‌گوید؛

(۳) متن غیرمصرح است، زیرا این فرض را در نظر ندارد که اگر فرد نظامی مرتکب جرمی شود که کاملاً با مأموریت او بی‌ارتباط باشد، تکلیف چیست؟ از سوی دیگر، آیا امکان ندارد مسئولیت کشوری ناشی از ترک فعل باشد؟ نماینده مکزیکی در کنفرانس دیپلماتیک با دادن پاسخ به این سوال معتقد بود که دولت موظف به پرداخت غرامات است، اگر تدابیر لازم جهت ممانعت اتباع خود از ارتكاب جرائم مربوط به عهدنامه‌ها و پروتکل را به عمل نیاورده باشد. سکوت ماده ۹۱ پروتکل شماره یک در زمینه‌های مذکور، موضوع را به یک حقوق بین‌الملل عام نامعلوم و غیر مصرح احاله می‌دهد. در مقابل جنبه‌های منفی یاد شده، ماده (۹۱) متضمن جنبه‌های مثبت نیز می‌باشد. این ماده به کشورها اجازه می‌دهد تا جبران خسارات را برای هرگونه ضرر و زیان وارده بر سدها و اموالی که جزء میراث فرهنگی یا در زمره محیط‌زیست طبیعی محسوب می‌شوند، درخواست کنند (Torelli, 1985: ۱۲۲).

نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به پیروی از وحی الهی و خلق عظیم و جوانمردی خود حقوق جنگ رایج در زمان خود را محترم می‌شمرد و هرگز برخلاف آنچه با دشمن پیمان بسته بود یا عرف رایج زمان بود، رفتار نمی‌نمود و اگر احیاناً بعضی از مسلمانان از روی عمد یا غفلت دست به خطا و اشتباهاتی می‌زدند، با عدالت و بزرگواری آن را جبران می‌نمودند.

در بحث ضمانت اجرای حقوق جنگ در فقه امامیه قوانین و مقررات کامل و دقیقی وجود دارد. در فقه امامیه رعایت قوانین مربوط به جنگ ضمانت اجرای درونی و بیرونی دارد. تقوای مسلمانان، ترس از آخرت و وجود امام عادل در رأس امور ضامن اجرای این مقررات هستند و در تاریخ صدر اسلام و جمهوری اسلامی ایران نیز، شاهد موارد عملی آن بوده و هستیم.

در این رابطه در حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های بین‌المللی، قوانین و مقررات ناقص و محدودی وجود دارد که دارای معایب فراوان است و معایب عمده آن عبارتند از: (۱) نداشتن ضمانت اجرای کافی و مناسب؛ (۲) زیربار نرفتن قدرتمندان و زورمداران؛ (۳) تبعیض در اجرا، زیرا فقط درباره مغلوبین در جنگ اجرا می‌شود و کاری به کار فاتحان و غالبان در جنگ ندارند و هرگونه خواست قدرت‌های بزرگ و اقمار آنها باشد، تفسیر و اجرا می‌شوند. اگرچه دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو بعضی از جنایتکاران جنگی را مجازات کردند، اما اکثریت قریب به اتفاق جنایتکاران و عاملان جنگی در پناه حامیان قدرتمند خود راحت و آسوده زندگی می‌کنند و کسی کاری به کار آنها ندارد. نمونه این جنایتکاران و مسببین جنگی در سراسر جهان بسیارند.

در رابطه با پرداخت غرامت و خسارات جنگی نیز وضع بهتر نیست. زیرا فقط فاتحان و غالبان در جنگ‌ها هستند که با زور خود از طرف مغلوب خسارت و غرامت می‌گیرند؛ اگرچه حق با طرف مغلوب باشد. با تمام این انتقادات، وجود همین قوانین و مقررات ناقص و فاقد ضمانت اجرای بهتر از عدم آنهاست و لاقلاً کشورهای ضعیف به آن گردن می‌نهند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ابراهیمی، محمد (۱۳۸۶). مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، تهران.
- ۲- باقرزاده، محمدزضا (۱۳۸۲). ضمانت اجرای صلح و امنیت بین‌المللی، چاپ اول، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، جلد سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۴- حسینی ژرفا، ابوالقاسم (۱۳۸۲). جهاد و حقوق بین‌الملل، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۵- حمیدالله، محمد (۱۳۸۱). سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۶- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه نور، ج ۲۱، قم: طبع و نشر.
- ۷- دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع (۱۳۶۷). بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مجموعه مقالات کنفرانس تجاوز و دفاع، تهران.
- ۸- شیخ‌طوسی (۱۳۷۴). تهذیب الاحکام، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۹- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- ۱۰- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۰). تفسیر المیزان، ج ۴، قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۱۱- فرانسوین، ژاک (۱۳۶۵). «جنايات جنگی و جنايات عليه بشریت»، ترجمه و تلخیص محمد علی اردبیلی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره هفتم. زمستان ۶۵.
- ۱۲- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، جلد ۴، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۱۳- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشردوستانه بین‌المللی رهیافت اسلامی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۱۴- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۹). قواعد فقه (۴) بخش جزایی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۱۵- مؤدب، سید رضا (۱۳۸۸). تاریخ حدیث، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- ۱۶- نصیری، علی (۱۳۸۸). آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- ۱۷- نیومن، آندره (۱۳۶۷). بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، تهران.
- عربی:
- ۱۸- ابن براج قاضی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ هـ.ق). المهذب، ج ۹، قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۱۹- ابو یوسف، قاضی (۱۳۹۹ هـ.ق). الخراج، بیروت: دارالمعرفه.
- ۲۰- حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۰۷ هـ.ق). رساله بدیعه فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی الفساء بما فضل اللیه بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم، تهران: موسسه منشورات صدرا.
- ۲۱- الحلی، ابن ادريس (۱۴۱۰ هـ.ق). سرائر، جلد ۲، قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۲۲- الحلی، المحقق نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ هـ.ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۹، قم: موسسه اسماعیلیون.
- ۲۳- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ هـ.ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، جلد ۹، بیروت: دارالکتب العربیه.
- ۲۴- شیخ طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷ هـ.ق). المبسوط فی الفقه الامامیه، جلد ۲، تهران: المکتبه المرتضویه.
- ۲۵- صدر، سید محمد (۱۴۲۰ هـ.ق). ماوراء الفقه، ج ۲، بیروت: دارالأضواء للطباعه.
- ۲۶- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ هـ.ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، بیروت: موسسه الأعلمی.

۲۷- مروارید، علی اصغر (۱۴۰۶ هـ.ق). سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۹، تهران: مرکز بحوث الحج و العمره.

۲۸- میرعرب، فرج الله (۱۴۲۶ هـ.ق). الجهاد فی المأثور عن أهل السنه و الامامیه، تهران: المجمع العالمی لاتقريب بين المذاهب الاسلامیه-المعاونیه الثقافیه.

لاتین:

29- Black, Henry Campbell (1990). *Blacks law dictionary*, USA: West Publication.

30- Furet, J.C, Martinze, H. Dorandeu, H. (1964). *La guerre et le droit*, Pedone.

31- Torrelli, M. (1985). *Le droit international humanitaire*, Que sais-je? Paris.